

عطر گم شده شالیزار در مزرعه عصر تیموری



التیمور. حرم کشف رود. انتهای طبرسی شمالی



التیمور. انتهای طبرسی شمالی



علی تیمور(التیمور) قدیم[السَّق است. ۲۴ خانوار از هراتی و تاجیک[در آن زندگی می‌کنند]. از رودخانه کشف‌رود، زراعت و باغات خود را مشروب می‌سازند. هوایش مرطوبی(مرطوب) است... همین چند جمله کفایت می‌کند تا یک مورخ بتواند درباره وضعیت تیمور، ۱۵۰ سال قبل، اطلاعاتی را به‌دست آورد و البته با درآمیختن این اطلاعات با شواهد دیگر، به تصویری نسبتاً قابل اعتماد از این مزرعه قدیمی در زمان‌های پیشین دست یابد.

مرضیه ترابی| برخی اهالی «التیمور» معتقدند که سنگ بنای محله آن‌ها، حدود ۶۵۰ سال قبل و زمانی گذاشته شد که تیمور، جهانگشای مشهور، با سرپازانش از این منطقه گذر کرد و دستور داد تعدادی از آن‌ها در این مکان خوش آب‌وهوا که درکنار کشف‌رود باستانی قرار داشت، ساکن شوند. به این ترتیب، نام آن مکان را «آل تیمور» گذاشتند و به‌تدریج، این نام به «التیمور» تغییر شکل داد. صرف نظر از اینکه این داستان افسانه‌گون و بدون سند حتی

«آله تیمور» یا «علی تیمور»: مسئله این است

درباره وجه‌تسمیه التیمور، هیچ گزارش مطمئنی وجود ندارد. قدر مسلم آن است که این نام بسیار قدیمی از گذشته‌های بسیار دور در این منطقه کاربری داشته است. مهدی سیدی در کتاب خواندنی «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد»، نام این منطقه را «آله تیمور» می‌داند و به‌دسترسی، این ادعا را به وقف‌نامه «سعدالدین محمدوزیر»نسبت می‌دهد،همان بانی مدرسه قدیمی پایین‌پاکه امروزه بخشی از حرم رضوی است. سعدالدین از رجال دوره صفوی و معاصر شاه سلیمان بود و در وقف‌نامه مفصل خود، ضمن وقف املاک متعدد بر مدرسه پایین‌پا، نوشت: «همگی و تمامی محل پنج زوج و یک فرد عوامل از کل مزرعه معینه معلومه موسومه به مزرعه آله تیمور بلوک تبادکان من(از) بلوکات مشهد مقدس معلی که بین‌الشراکبرهشت زوج عوامل دایر و محدود است، از یک جانب به ممر کته‌بیشه(کنه‌بیست) و ازطرف دیگر بعضی به رودخانه کشف‌رود و بعضی به نهر علی شادی و از جهت دیگر به مزرعه پاوا و از سمت دیگر به اراضی نوکاریز و مزرعه سپس آباد با جمیع توابع شرعی و لواحق ملیه و عامه مضافات عریفه[وقف مدرسه پایین‌پا شده است تا به مصارف مدرسه و شهری طلاب برسد،] استفاده از نام «آله تیمور» نشان می‌دهد که به احتمال زیاد، نام «علی تیمور» که در کتابچه تبادکان چاپ شده، بدون اعتبار است و به‌دلایلی که هنوز از آن اطلاعی نداریم، نام این مزرعه از قدیم «آله تیمور» یا «علی تیمور» بوده است. بد نیست در همین جایادآوری کنم که اراضی این مزرعه، به‌تدریج از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، به بخشی از شهر مشهد تبدیل شد و در محدوده شهرداری منطقه ۴ قرار گرفت.

شالیزارهای تیمور

مزرعه تیمور، چنان‌که از نامش پیداست، از دیرباز یکی از نواحی حاصل خیز شمال مشهد و مرکز تولید محصولات مختلف زراعی بوده است. این موضوع را می‌توان از وقف‌نامه سعدالدین محمد وزیر که در سال ۱۰۸۷ قمری(۱۰۵۵ خورشیدی) به رشته تحریر درآمده است، دریافت. ضمن اینکه برپایه مفاد مندرج در این وقف‌نامه، مزرعه تیمور از زیرساخت‌های مناسبی برای سکونت نیز برخوردار بوده است. در متن وقف‌نامه می‌خوانیم: «از اراضی و صحاری آبیزار(محل کشت آبی) و دیمچه‌زاو شرب و مشارب وتال(، پشته‌ها، تپه‌ها) و وهاد(زمین‌های پست، نشیب) و آلنگ(سبزه‌زار، چمن) و معالیف(، علفزار، چراگاه) و مراتع و باغات مکرومه(میم‌زار، باغ انگور) و محوطات و حصار بایره و دایره بر این موجب، دو باب واقع در پشت عمارت مزبوره و باب دیگر واقع در پشت حمام مزبوره و باب دیگر واقع در باغ هاشم که تنباکوزار است... [همه وقف مدرسه پایین‌پا شده]». بر این اساس، می‌توان گفت که در

نیمه دوم عصر صفویه، مزرعه تیمور دارای اراضی زراعی دیم و آبی بوده و در آن، باغ و مرتع وجود داشته است و افزون‌بر این‌ها، تنباکوزاری وسیع در آن ایجاد کرده بودند که احتمالاً یکی از مراکز مهم تولید این محصول در نزدیکی مشهد به حساب می‌آمده است. نزدیک بودن مزرعه به کشف‌رود که در آن ایام آب زیادی داشت و هنوز به حالت زار امروزی نیفتاده بود، این امکان را در اختیار کشاورزان مزرعه تیمور می‌گذاشت که بتوانند الگوی کشت متفاوتی را تجربه کنند و در سال‌هایی که آب فراوان تری در اختیار دارند، به توسعه گستره محصولات کشاورزی بپردازند، تا آنجا که گزارش‌هایی از کشت برنج در این منطقه، طی دوره مظفرالدین شاه و پس از آن عهد انقلاب مشروطه و حتی دوره احمدشاه قاجار و در زمان قحطی بزرگ در اختیار داریم که از این نظر یک استثنای قابل مطالعه به حساب می‌آید. این گزارش‌ها که در سندهای موجود مرکز اسناد آستان قدس رضوی ثبت و ضبط شده است، نشان می‌دهد که دست‌کم در سال‌های دهه ۱۳۳۰ قمری، کشت برنج در این منطقه و در مجاورت کشف‌رود رایج بوده است. مطابق سند شماره ۹۹۷۰۳، مربوط به سال ۱۳۳۴ قمری(۱۲۹۵ خورشیدی)، سید جواد ظهیرالاسلام، نایب‌التولیه وقت آستان قدس رضوی، از ژاندارمری می‌خواهد که چندبار «شالی» را از مزرعه تیمور دریافت کند و به شخصی به نام «اکبر بقال» تحویل دهد. درمورد کاشت



تحويل محصول برنج مزرعه تیمور به کنسول انگلیس، هرچند به صورت اختصاصی سندی خاص درباره این موضوع محسوب نمی‌شود و نمی‌توان –چنان‌که برخی در مطالعات تاریخی عادت دارند- بر این اساس ظهیرالدوله را عامل انگلیس و فردی خائن به ملت تلقی کرد، اما هم‌زمانی این مسئله و دستور تحويل تمام محصول برنج یک مزرعه وقفی که تولیدات آن باید در اختیار طلاب قرار می‌گرفت و شاید فروش آن‌ها بامبلغ گزاف به کنسولگری انگلیس در مشهد، می‌تواند نشانه‌ای از آن توطئه بزرگ و سراسری باشد که به ماجرای قحطی بزرگ انجامید.

التیمور و غنای آبی آن

شواهد و اسناد نشان می‌دهد که مزرعه تیمور در گذشته از نظر منابع آب، وضعیت ممتازی داشته است. اینکه حتی در شرایط کم‌آبی و بی‌آبی میانه دهه ۱۲۹۰ خورشیدی، کشاورزان این مزرعه می‌توانستند به کشت برنج، به عنوان محصولی نیازمند آب فراوان بپردازند، دلیلی بر این ادعاست. معمولاً اراضی تیمور را، چنان‌که مرسوم بود، به اجاره در اختیار مستأجران می‌گذاشتند. قدیمی‌ترین افرادی که فعلاً به عنوان مستأجر مزرعه تیمور می‌شناسیم، «سید حسن» و «کربلایی سید حسین» هستند، دو برادر از اهالی مشهد و شاید تیمور که در میانه دوره قاجار، این مزرعه را در اجاره داشتند و طبق سند شماره ۲۴۲۹۰ مرکز اسناد آستان قدس، به دلیل سبیل شدیدی که در منطقه تیمور رخ داده بود، موظف به عمل بر طبق قرارداد اجاره و اِعمال دستورالعمل اعلامی درباره کشت برنج شده بودند. تاجایی‌که توانستیم جست‌وجو کنیم، وضعیت آب تیمور در دوره‌های بعد نیز، تا آغاز خشک‌سالی در دهه ۱۳۴۰ در این منطقه، به دلایلی که فعلاً مجال بحث درباره آن نیست، خوب بود. سندی با شماره ۹۹۶۲۶، مربوط به سال ۱۳۱۴ خورشیدی در مرکز اسناد آستان قدس رضوی وجود دارد مبنی بر «درخواست امیرشهی، مالک مزرعه علیشاهی، از نیابت تولیت جهت مشروب شدن مزرعه‌اش از [نهر] آسیاب تیمور» که نشان دهنده وضعیت مناسب آب در این منطقه و البته فعالیت آسیابی در تیمور است که امروزه نشانی از آن در دست نیست. در دوره‌های بعد، به‌ویژه بعد از ماجرای اصلاحات ارضی، تیمور به‌تدریج هویت زراعی خود را از دست داد و مانند برخی مناطق هم‌جوار، نظیر مزرعه «درآبد خزانه‌دار» یا «دروی» که یک‌بار درباره‌اش مفصل صحبت کردم، به محل زندگی روستاییانی تبدیل شد که به امید یافتن کار بهتر، راهی شهرها شده بودند. ایجاد کارخانه آجرسازی «ابلق» در شمال این منطقه، یکی از دلایل تمرکز این افراد در تیمور بود، به همین علت، این مزرعه قدیمی در زمره مناطق محروم مشهد جای گرفت و امروز همچنان نیازمند توجه ویژه مسئولان است.



نگار: محمد حسن صالواری | شهرآرا

خانه‌ای در کوچه جدیدالاسلام‌ها!

درمیان حیاط باکف‌پوش آجری، آن را مانند بیشتر حیاط‌های خانه‌های ایرانی کرده است. زمستان نشین خانه سه طبقه دارد، زیرزمین، همکف و طبقه اول. در طبقه اول، سه اتاق کوچک رو به حیاط و دو اتاق رو به کوچه وجود دارد و همگی تودرتو هستند. زیرزمین نیز چند اتاق و انباری دارد و یکی از آن‌ها را تبدیل به حمام کرده‌اند. جالب است بدانید طبق گفته ساکنان، در گذشته که یهودی‌ها در این خانه ساکن بودند، در زیرزمین راه دسترسی به خانه‌های اطراف مهیا بوده است. در قدیم، منزل یهودی‌ها با یکدیگر ارتباط داشت تا رفت‌وآمد آن‌ها را با یکدیگر آسان کند. در بخش تابستان نشین خانه نیز دو طبقه ساخته شده است. طبقه همکف، حوض خانه و مطبخ دارد. حوض خانه بزرگ خانه، سه در دارد و در تابستان گشوده می‌شده است تا جریان باد را به درون حوض خانه هدایت کند. این حوض اکنون پر شده است تا دیگر کارکرد گذشته خود را نداشته باشد. در طبقه نخست آن، اتاق شانه‌نشین و اتاق گوشواره قرار دارد. در جبهه غربی نیز فضایی به عنوان رابط بین طبقات اول قسمت زمستان نشین و تابستان نشین قرار گرفته است. در این قسمت، فضاهایی خدماتی مانند چاه آب، آب‌انبار، آبریزگاه و انباری که اکنون آشپزخانه شده است، وجود دارد. این خانه، نمای درونی زیبایی دارد که مجموعه‌ای از تزئینات آجر و کاشی را دربر می‌گیرد. داخل بنا نیز با گچ‌بری و آیینکاری در بعضی قسمت‌ها مانند شاه‌نشین، زینت یافته است. ستون‌های آجر مهری بالای پنجره‌ها با نوارهایی از کاشی آبی و رخ‌بام‌های زیبا، از دیگر تزئینات این نماست.

منبع: خانه‌های تاریخی مشهد(مستندسازی آثار تا پایان سبک تهران)
تألیف هادی ایوانی